

بھلا خندا

عشرب:

پرونہہ سرئی تاشا  
وکارا گامش، مینری

ہویا  
Hoopa

# عقرب:

پرونده سرّی تاشا

وکار آگاهش، هنری



نویسنده: پیت جانسون

مترجم: فریبا چاوشی

با شور و اشتیاق گفتم: «هنری! می‌تونی به من اعتماد کنی، باور کن! تو رو خدا بهم بگو چرا زاغ سیاه خانواده‌ی بکستر رو چوب می‌زنی؟»

نفس عمیقی کشید و گفت: «من همچین کاری نمی‌کنم. الان هم باید برم.» بلند شد و با عجله به طرف در رفت.

گفتم: «عینکت یادت نره!» و برای اینکه فضای ناآرام اتاق را کمی شاد کنم، چند لحظه‌ای عینک را به چشمم زدم. انتظار داشتم چشم‌هایم همه چیز را تار ببیند تا کمی شیطنت کنم. برعکس! همه چیز را به خوبی قبل می‌دیدم.

عینک را پسش دادم، خیلی گیج شده بودم: «این عینک واقعی نیست، نه؟»

به من نگاه کرد: «نه!»

«وقتی عینک لازم نداری، پس چرا عینک می‌زنی...؟ این کارت بی‌معنیه!» کمی مکث کردم و گفتم: «مگه اینکه بخوای تغییر قیافه بدی. این کاریه که داری می‌کنی؟»

زمزمه کرد: «بله! این دقیقاً همون کاریه که دارم می‌کنم.»

### THE BAD SPY'S GUIDE

Copyright © Pete Johnson, 2007

Artwork © Tracey & Jerry Paris

Published by arrangement with Random House Children's Publishers UK, a division of The Random House Group Limited.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از نویسنده‌ی آن (Pete Johnson) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

این داستان را به پیتر کوک تقدیم می‌کنم.  
با سپاس فراوان به خاطر صداپیشگی هوشمندانه‌اش در نقش پاول تمپل، بزرگ‌ترین کارآگاه عمرم، در رادیو.  
پ.ج

به دوست خوبم:

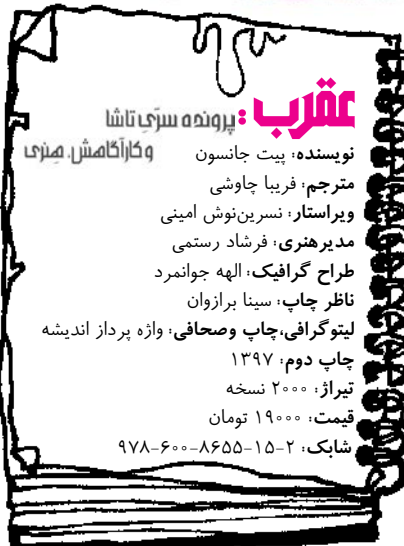
فرهاد

که در فراز و نشیب پرونده‌ی عقرب نیش خورد.

ف.ج



سرشناسه: جانسون، پیت  
Johnson, Pete  
عنوان و نام پدیدآور: عقرب: پرونده‌ی سزای تاشا و کارآگاهش هنری/ نویسنده پیت جانسون؛  
مترجم فریبا جاوشی؛ ویراستار نسرين نوش امینی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۲۱۱ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۵-۲  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: The bad spy's guide, c2007.  
موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) - قرن ۲۰م.  
موضوع: Children's stories, English - 20th century  
شناسه افزوده: جاوشی، فریبا، ۱۳۶۷ - مترجم  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۲۷/ج۲۷/PZV  
رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ ج۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۲۲۷۱



**عقرب: پرونده سزای تاشا**  
و کارآگاهش هنری  
نویسنده: پیت جانسون  
مترجم: فریبا جاوشی  
ویراستار: نسرين نوش امینی  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: الهه جوانمرد  
ناظر چاپ: سینا برازوان  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه  
چاپ دوم: ۱۳۹۷  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۵-۲

**هوپا**  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم

غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

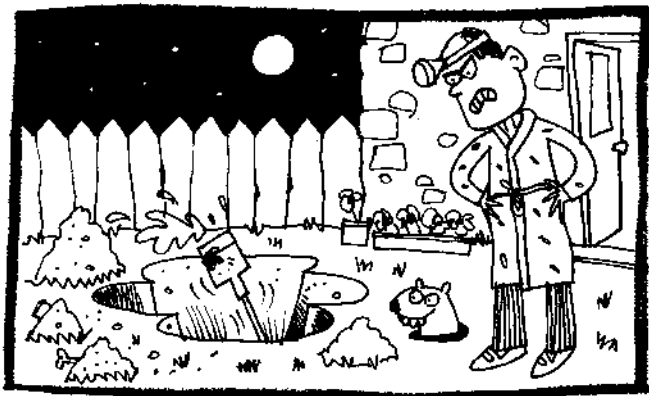
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir • info@hoopa.ir

## فصل اول



یک کارت شناسایی درب وداغان

این تنها سرنخی بود که داشتم، تنها سرنخ شگفت‌انگیزترین قصه‌ای که خواهید شنید. مطمئنم که قبلاً هرگز کارت‌های شبیه این ندیده‌اید. «گذرنامه‌ای برای ورود به جهانی بسیار شگفت‌انگیزتر!» این جمله‌ای است که من گفتم وقتی اولین بار کارت را دیدم. راستی، این کارت مال من نیست. نه! مال پسری است به نام هنری و همه‌چیز از یک شب گرم و سوزان در ماه ژوئن شروع شد ... نه! صبر کنید! انگار دارم برای تعریف کردن داستان عجله می‌کنم.

می‌بینید؟ زیادی ذوق‌مرگم! اما باید از اول قصه شروع کنم.

اسم من تاشا<sup>۱</sup> است. (هیچ کس حتی معلم‌هایم من را ناتاشا<sup>۲</sup> صدا نمی‌زند.) من دوازده سالم است و می‌خواهم یک کارآگاه خصوصی بشوم. اولین باری که این را به همه گفتم، از خنده روده‌بر شدند و با خودشان فکر کردند، بعداً بی‌خیال می‌شود. اما نشدم!

راستش، من حتی تمرین هم کرده‌ام. شاید بپرسید چطوری؟ خب! سری به اتاق خواب من بزنید! آنجا هشت تا قفسه‌ی کتاب پر از داستان‌های معمایی می‌بینید. در این قفسه‌ها فقط کتاب‌هایی که مخصوص هم‌سن‌وسالان من است، پیدا نمی‌کنید. نخیر! کتاب‌های قدیمی‌تر از این هم دارم: مثلاً جیمز باند<sup>۳</sup> و هر داستانی که تا حالا درباره‌ی شرلوک هولمز<sup>۴</sup> نوشته شده.

ولی نه اینکه فقط این کتاب‌ها را خوانده باشم. نخیر! من آن‌ها را به‌دقت مطالعه کرده‌ام. از آن‌ها یاد گرفته‌ام! می‌شود گفت که من زیر نظر بهترین معلم‌ها آموزش دیده‌ام.

فقط یک مشکل کوچولو داشتم! آن هم اینکه هیچ معمایی برای حل کردن نداشتم. من با آن‌همه تمرین و شور و شوق ... بیکار و دستِ

1. Tasha
2. Natasha
3. James Bond
4. Sherlock Holmes

خالی! حالا که حرف ناامیدی شد ...

من در یک دهکده‌ی کوچک خواب‌آلود به نام فارثینگول<sup>۱</sup> کوچک (یا آن‌طور که بعضی از بچه‌های کلاس می‌گویند فارثینگول<sup>۲</sup>) زندگی می‌کنم، اما در خیلی از کتاب‌ها خوانده‌ام که جنایت‌های ترسناک در همین جور جاها اتفاق می‌افتد. به‌همین خاطر خوب چشم و گوشم را باز کرده‌ام و تمام مدت گوش‌به‌زنگم ... و بله! خیلی خب! بگذارید از همین اول موضوع را روشن کنم: من اشتباهاتی هم کرده‌ام، همین تازگی یکی از آن گنده‌هایش را هم کرده‌ام!

وقتتان را با گفتن جزئیات نمی‌گیرم. اصل مطلب را می‌گویم ... خب، انگار همسر آقای دندان‌پزشک ناپدید شده بود و یک سگ هم مرتب گوشه‌ی باغچه‌شان را بو می‌کشید، ممکن بود جنازه‌ی همسر آقای دکتر را آنجا خاک کرده باشند.

و بله، قبول دارم، احتمالاً آقای دندان‌پزشک از دیدن من که ساعت دو و نیم نصفه‌شب در حیاطش چاله می‌کنم، کمی شوکه شده بود. من اصلاً به‌خاطر اینکه به پلیس زنگ زده بود، سرزنش نمی‌کنم. به‌خصوص که همسرش رفته بود ... بگذریم، ولی فکر نکنم دوست داشته باشید

1. Farthingwell

۲. Fartingwell: در زبان انگلیسی به معنای باد در کردن است و هم کلاسی‌های ناتاشا

واقعاً بی‌ادب هستند! Farting

نمایش بگذارم ... و حالا دیگر وقتش رسیده که شما را به قلب آن شب گرم و سوزان در ماه ژوئن ببرم. شبی که بالاخره فرصتی را که منتظرش بودم به دست آوردم!

بقیه‌ی این داستان را بشنوید، نه؟! خوب است ... چون از بس دیگران این داستان را یک کلاغ‌چهل کلاغ کرده‌اند، حالم به هم می‌خورد. به هر حال، اوضاع مدرسه هم از این قرار است: خودتان می‌دانید که! کافی است کمی با دیگران فرق داشته باشید (مثل من)، آن وقت هیچ کس از شما خوشش نمی‌آید. بعد از جریان چاله کندن در مدرسه پاپی من شدند که خل‌وچل و روانی‌ام و مایه‌ی خنده‌ی همه. فقط یک نفر هوایم را داشت و آن هم جولیا<sup>۱</sup> بود، بهترین دوستم! ولی حتی او هم در خلوت متلک بارم می‌کرد.

این طوری برایتان بگویم که تمام نقشه‌هایم نقش بر آب می‌شد، ولی من ول کن ماجرا نبودم. یک مورد بهتر هم پیش آمد، یک چمدان کنار رودخانه پیدا کردم. چمدان قفل بود و من واقعاً امیدوار بودم که از دست چند تا دزد بانک افتاده باشد و پر از اسکناس‌های دزدی باشد. اما چمدان پر از لباس‌های بوگندو بود و از روی سقف یک ماشین افتاده بود. نه! صبر کنید! ناامید نشوید، صاحب چمدان به خاطر پیدا کردنش یک مزدگانی کوچک به من داد ... به همین خاطر فکر کنم این یک شروع تازه بود.

با همه‌ی این‌ها، من همیشه‌ی خدا منتظر یک معمای بزرگ بودم ... ماجرای مرموزی که در آن بتوانم تمام مهارت‌های کارآگاهی‌ام را به

---

1. Julia



**عقرب: پرونده‌ی سرّی تاشا و کارآگاهش، هنری**

نامزد جایزه‌ی بلوپیتر اواردز در بخش کتابی که نمی‌شود زمینش گذاشت.



**خیالت تخت، من بچه‌شرم**

برنده‌ی کتاب سال کودکان کلدردل ۲۰۰۶

نامزد کتاب سالی‌ها ۲۰۰۶

نامزد کتاب کودک لینکین شایر ۲۰۰۷



**مجموعه‌ی پنج جلدی قصه‌های باپدرومادر**

■ چگونه پدر و مادر خود را تربیت کنیم؟

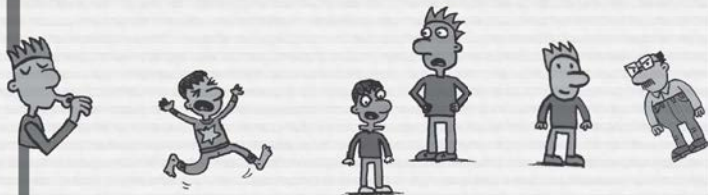
برنده‌ی جایزه‌ی کتاب شفیلد

■ پدر و مادرم زده‌اند به سیم آخر

■ پدر و مادرم دیوانه‌ام کرده‌اند

■ چگونه تنظیمات پدر و مادر خود را به روزرسانی کنیم؟

■ چگونه سر پدر و مادر خود را گول بمالیم؟



و مجموعه‌ی چهارجلدی **وبلاگ خون‌آشام** به‌زودی...

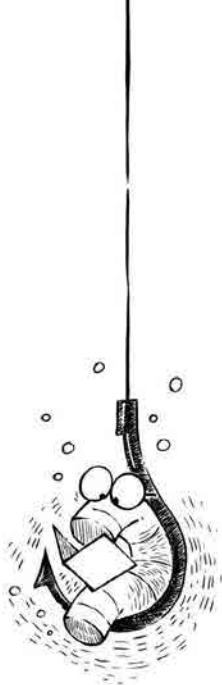


**تا حالا چندتا از کتاب‌های  
پیت جانسون را خوانده‌اید؟**

«به عقیده‌ی یک کرم عجیب است که  
انسان کتاب‌هایش را نمی‌خورد.»

بخشی از شعر «کرم‌های شب‌تاب» / رابیندرانات تاگور

**هوپا ناشر کتاب‌های خوردنی**



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که:  
نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.  
سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود.  
و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

**به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر**